

۶	پایه:	اصول ۳ ب ۲	موضوع:
۸	ساعت:	۹۶/۰۳/۰۲	تاریخ:

نام کتاب: اصول الفقه، از ابتدای شهرت تا پایان کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. الحق أن قیاس الأولیة
 أ. باطل مطلقاً
 ب. حجة مطلقاً ج ۱۶۴
 ج. حجة من باب الظواهر إذا كان مفهوماً من التخاطب بالفحوی
 د. حجة من جهة الأولیة و يكون استثناءً من القیاس الباطل
۲. کدام گزینه از مرجحات منصوصه نیست؟
 أ. احدث بودن روایت ب. شهرت ج ۲۰۴
 ج. موافقت کتاب و سنت د. مخالفت عامه
۳. علی رأی المصنف، قاعدة «الجمع بین المتعارضین أولى من الطرح» الجمع التبرعی و المراد من «الجمع» فیها هو الجمع فی
 أ. لا تشمل - السند و الدلالة ب. تشمل - السند و الدلالة ج. تشمل - الدلالة د. لا تشمل - الدلالة د ۱۸۳-۶
 ج. حجیته فی خصوص الأحكام الوضعیة د. عدم حجیته فی الشک فی المقتضی
۴. الأقوی فی الاستصحاب
 أ. حجیته مطلقاً ب. حجیته إذا كان المستصحب ممّا ثبت استمراره فشک فی الغایة الرافعة له

تشریحی

* قيل: إن أدلة حجیة خبر الواحد تدلّ علی حجیة الشهرة بمفهوم الموافقة نظراً إلى أن الظنّ الحاصل من الشهرة أقوى غالباً من الظنّ الحاصل من خبر الواحد و فيه أن هذا المفهوم إنّما يتمّ إذا أحرزنا علی نحو اليقین أن العلة فی حجیة خبر العادل هو إفادته الظنّ لیکون ما هو أقوى ظناً أولى بالحجیة و لكن هذا غیر ثابت إذا لم یکن الثابت عدم اعتبار الظنّ الفعلیّ.

۱۳۵

۱. مقصود از شهرت در عبارت، چه شهرتی است؟ ب. استدلال و اشکال مذکور را تقریر کنید.

أ. شهرت فتوایی. (۰/۵)

استدلال: مفهوم اولویت ادله حجیت خبر واحد بر حجیت شهرت هم دلالت دارد؛ چون وجه حجیت خبر واحد، افاده ظن است و ظنی که در شهرت وجود دارد غالباً قوی تر از ظن موجود در خبر واحد است، پس ادله خبر واحد به طریق اولی شهرت را حجت خواهند کرد. (۰/۷۵)

اشکال: این استدلال در صورتی تمام است که یقین داشته باشیم وجه حجیت خبر واحد افاده ظن است در حالی که این مطلب مسلم نیست بلکه بالاتر آنچه ثابت و قطعی است معتبر نبودن ظن فعلی است. (۰/۷۵)

* من أدلة أهل السنّة علی حجیة القیاس قوله تعالی: «قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ» باعتبار أن الآیة تدلّ علی مساواة النظیر للنظیر بل هی استدلال بالقیاس لإفحام من ینکر إحياء العظام و هی رمیم. و فيه ...

۱۵۳

۲. مقصود از دو نظیر در استدلال اهل سنت چیست؟ ب. اشکال استدلال را بنویسید.

أ. خلق آغازین و خلق دوباره ب. آیه در مقام بیان مساوات دو نظیر نیست چنانکه در صدد بهره بردن از روش قیاسی نیست بلکه هدف آیه این است که استبعاد و استغراب منکرین قیامت را برطرف کند و ادعا نماید بین قدرت بر ایجاد اولیة عظام و قدرت بر احیای دوباره آنها ملازمه وجود دارد (چون حکم الأمثال واحد است) و وقتی اولی عملی شده، ۷دومی نیز تحقق پذیر است.

* من مرجحات باب التزام أن يكون أحد الواجبين لا بدل له مع كون الواجب الآخر المزاحم له ذا بدل اختياري أو اضطراري ولا شك أن ما لا بدل له أهمّ ممّا له البدل عند المزاحمة وإن كان البدل اضطراريّاً لأنّ الشارع قد رخص في ترك ذي البدل إلى بدله الاضطراري عند الضرورة و لم يرخّص في ترك ما لا بدل له ولا شك في أن تقديم ما لا بدل له جمع بين التكليفين في الامتثال دون صورة تقديم ذي البدل فإنّ فيه تفويتاً للأوّل بلا تدارك. ۱۷۳

۳. أ. برای بدل اختياری و بدل اضطراری مثال بزیند. ب. چرا در تزامم مذکور، «ما لا بدل له» مقدم می شود؟

أ. بدل اختياری مثل خصال كفاره - بدل اضطراری مثل تیمم نسبت به وضو.

ب. چون از طرفی شارع نسبت به ترك ذي البدل و انجام بدل اجازة داده ولی نسبت به واجب بی بدل ترخیصی نکرده، معلوم می شود نزد شارع، واجب بی بدل اهم است - از طرف دیگر اگر واجب بی بدل مقدم شود امکان جمع بین دو تکلیف (اهم و مهم) وجود دارد؛ چون مکلف در کنار انجام اهم، بدل مهم را هم انجام می دهد ولی اگر خود مهم را انجام دهد واجب اهم بدون جبران، فوت خواهد شد.

* قد يستظهر التخيير من خبر سماعة عن أبي عبدالله عليه السلام: قال سألته عن رجل اختلف عليه رجلان من أهل دينه في أمر كلاهما يرويه: أحدهما يأمر بأخذه و الآخر ينهاه عنه، كيف يصنع؟ فقال عليه السلام: «يرجئه حتى يلقى من يخبره فهو في سعة حتى يلقاه» و فيه أن الأولى جعل الرواية من أدلة التوقف لا التخيير و ذلك لكلمة «يرجئه» و أمّا قوله عليه السلام: «في سعة» فالظاهر أن المراد به التخيير بين الفعل و الترك لا التخيير بين الروايتين. ۱۹۳

۴. أ. استظهار تخيير از کدام قسمت روایت صورت گرفته است؟ ب. اشکال مصنف را توضیح دهید.

أ. از قسمت «فهو في سعة». ب. چون روایت به دلیل وجود کلمه «یرجئه» بهتر است از ادله توقف باشد تا ادله تخيير (چون ارجاء یعنی تأخیر و ترک عمل در حال) و اینکه امام فرموده «في سعة» ناظر به تخيير عملی بین فعل و ترک است نه تخيير بین دو روایت؛ چرا که ارجاء با ترک عمل به دو روایت می سازد نه با تخيير در عمل به یکی از دو روایت.

۲۱۶-۷

۵. برای هر یک از موارد زیر مثال بزیند.

شک در عدد رکعات نماز

أ. أن يكون الشكّ موضوعاً للحكم الواقعيّ:

شک در اینکه این مایع معین خمر است یا خلّ

ب. أن يكون متعلّق الشكّ موضوعاً خارجياً:

تکلیف به نجات یکی از دو غریق که هیچ تفاضلی بین آنها نیست

ج. أن يكون التکلیف معلوماً في الجملة و لا يمكن الاحتياط:

شک در بقاء طهارت سابقه که یقین به وجودش داشتیم

د. أن يكون الشكّ موضوعاً للحكم الظاهريّ:

* من مقومات الاستصحاب فعلية الشكّ و اليقين بمعنى أنّه لا يكفي الشكّ التقديري و لا اليقين التقديري و إنّما يعتبر هذا الشرط في قبال من يتوهم جريان الاستصحاب في مورد الشكّ التقديري. و مثاله: ما لو تيقّن المكلف بالحدث ثمّ غفل عن حاله و صلّى ثمّ بعد الفراغ من الصلاة شكّ في أنّه هل تطهّر قبل الدخول في الصلاة ... ۲۲۵

۶. أ. دليل اشتراط فعلية شكّ و يقين چیست؟ ب. در مثال مذکور، بعد از نماز، استصحاب حدث جاری می شود یا قاعده فراغ؟ چرا؟

أ. چون لفظ يقين و شكّ در اخبار استصحاب، ظهور در فعلية (و تقدیری نبودن این دو عنوان) دارند.

ب. قاعده فراغ؛ چون شكّ، بعد از نماز به فعلية می رسد و بعد از نماز، قاعده فراغ، حکم به صحت نماز می کند. بنابراین قاعده فراغ حاکم بر استصحاب می شود و در نتیجه راه استصحاب حدث سابق و بطلان نماز را سد می کند.

* من الأخبار التي استدلت بها على حجية الاستصحاب صحيحة زرارة: ... قلت: فإن حُرِّك في جنبه شيء و هو لا يعلم؟ قال عليه السلام: لا! حتى يستيقن أنّه قد نام. حتى يجيء من ذلك أمر بين و إلّا فإنّه على يقين من وضوئه. و لا ينقض اليقين بالشكّ أبداً. و نوقش فيها بأنّ الوضوء أمر متصرّم ليس له استمرار و إنّما الذي إذا ثبت استدام هو أثره و هو الطهارة و متعلّق اليقين في الصحيحة هو الوضوء لا الطهارة و متعلّق الشكّ المانع من استمرار الطهارة هو أثر المتيقن. و فيه ...

۷. أ. با توجه به مناقشة مذکور، کدام شرط استصحاب در مثال روایت مفقود است؟ مثال، مجرای چه قاعده ای است؟ ب. پاسخ مصنف به مناقشه را بنویسید.

ب. متعارف در لسان اخبار این است که مقصود از «وضو» همان طهارت است و در واقع، روایت سبب را گفته و مسبب را اراده کرده است. بنابراین متعلق شک و یقین یکی است و این باعث می‌شود روایت، از قاعده مقتضی و مانع اجنبی گردد.

۸. با توجه به تقسیم شک به «شک در مقتضی، شک در وجود رافع و شک در رافعیّت موجود» نوع شک را در موارد زیر مشخص کنید.

شک در مقتضی ۲-۲۵۰

أ. الشكّ في بقاء خيار الغبن بعد الزمان الأوّل:

شک در وجود رافع

ب. الشكّ في حدوث البول مع العلم بسبق الطهارة:

شک در رافعیّت موجود

ج. الشكّ في كون المذی ناقضاً للطهارة:

شک در رافعیّت موجود

د. الشكّ في الرطوبة الخارجة في كونها بولاً أو مذياً مع معلومیة مفهومهما:

* إذا علم على الإجمال بخروج بلل مردّد بين أن يكون بولاً أو منياً ثمّ توضأ فإنّه في هذا الحال يتيقّن بحصول الحدث الكلّي في ضمن هذا الفرد المردّد فإن كان البلل بولاً فحدثه أصغر قد ارتفع بالوضوء جزماً و إن كان منياً فحدثه أكبر لم يرتفع بالوضوء.

۲۵۹

۹. أ. مثال مذکور به کدام یک از اقسام استصحاب کلی مربوط می‌شود؟ ب. حکم جریان یا عدم جریان استصحاب در این قسم را به همراه اثر آن در مثال فوق بنویسید.

أ. استصحاب کلی قسم دوم. ب. استصحاب در کلی قسم دوم جاری می‌شود ولی در فرد جاری نمی‌شود.

اثر: چون استصحاب کلی حدث جاری می‌شود لذا اثر مترتب، بر مطلق حدث بار می‌شود؛ مثل عدم جواز مس قرآن ولی آثار مترتب بر حدث خاص (اکبر) مثل حرمت دخول در مسجد و حرمت قرائت عزائم بار نمی‌شود.